

چقدر می‌ارزی؟

«... در عالم یک چیز است که آن فراموش کردن نیست. اگر جمله چیزها را فراموش کنی و آن را فراموش نکنی، تو را باک نیست و اگر جمله را به جا آری و فراموش نکنی و آن را فراموش کنی، هیچ نکرده باشی؛ همچنان که پادشاهی تو را به ده فرستاده برای کار معین، تو رفتی و صد کار دیگر گزاردی، چون آن کار را که برای آن رفته بودی نگزاردی، گویی که هیچ نگزاردی. پس آدمی درین عالم برای کاری آمده است و مقصود آن است، چون آن نمی‌گزارد، پس هیچ نکرده باشد.

اگر تو گویی گرچه آن کاری که خدا مرا برای آن آفریده نمی‌کنم در عوض، چندین کار دیگر انجام می‌دهم، گویم آدمی را برای آن کارهای دیگر نیافریده‌اند. همچنان باشد که تو شمشیر جواهرنشانی که قیمت نتوان بر آن گذاشت – و تنها در خزائن ملوک از آن بتوان یافت – آورده باشی و آن را ساطور گوشت گندیده‌ای کنی یا دیگ زرین پیآوری و در آن شلغم پیزی و بگویی که من اینها را معطل نگذاشته و به کار گرفته‌ام! جای افسوس و خنده نباشد؟

حق تعالی نیز تو را ارزش بسیار داده است. پس ببین که برای چه تو را خلق کرده و برای چه کار فرستاده»^۱.

جان ما چقدر می‌ارزد؟ بهای آن چیست؟ چگونه ارزش خود را بالاتر بریم؟ چطور آن را از آلوده شدن در امان داریم؟

۱. برگرفته از کتاب «فیه ما فیه» مولوی.

با کرامت نفس آشنا شوید!

کرامت به معنای بزرگواری است و کرامت نفس آن است که انسان برای خود ارزش قائل باشد و خود را از پستی درون، دور بدارد.^۱
امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«الكَرَمُ حُسْنُ السَّجِيَّةِ وَاجْتِنَابُ الدَّنِيَّةِ»^۲

کرامت، نیکی اخلاق و پرهیز از پستی است.^۳

کرامتی که داریم؛ کرامتی که می‌توانیم داشته باشیم.
ما دو نوع کرامت داریم:

۱) کرامت ذاتی: بزرگواری و کرامتی که خداوند متعال به طور ذاتی به تمام انسان‌ها داده است.

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»^۴

ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.

فعالیت

به نظر شما چرا خداوند، انسان را برترین موجودات معرفی کرده است؟ درباره آن در کلاس بحث کنید.

۱. مفردات راغب، ص ۴۲۸؛ لسان‌العرب، ج ۱۲، ص ۵۱۰؛ جوادی آملی، کرامت در قرآن، ص ۱۹.

۲. شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۲۹.

۳. اعتماد به نفس، اصطلاحی نزدیک به کرامت نفس است. اعتماد به نفس، یعنی اتکا به نیروها و توانایی‌های خود و بهره‌گیری از این نیروهای خدادادی، در مسیر پر پیچ و خم زندگی تا در مشکلات و سختی‌ها بار خویش را خود به دوش کشیم، نه آنکه دست نیاز به سوی دیگران بگشاییم و چشم به آنها بدوزیم. اسلام نیز به این خوداتکالی و اعتماد به نفس با توکل به خدا، تأکید دارد.

۴. اسراء، ۷۰.

۲) **کرامت اکتسابی** : بزرگواری و کرامتی که هرکس بر اساس کارهایی که انجام می‌دهد به دست می‌آورد.

فرشته‌ها برای اینکه به ندای خرد خود گوش دهند، مانعی به نام غرایز حیوانی ندارند، پس راهشان چندان دشوار نیست. از حیوانات نیز کسی انتظار کار عقلانی ندارد؛ آنها تنها بر اساس غریزه و میل حیوانی رفتار می‌کنند. این ما انسان‌ها هستیم که اگر افسار اسب سرکش شهوت را به دست عقل سپردیم، کارستان کرده‌ایم و گوی سبقت را از فرشته‌ها نیز ربوده‌ایم ولی اگر شهوت بر عقل ما چیره شد، از حیوانات نیز پایین‌تر آمده‌ایم.

مثال : فرض کنید دانش‌آموز با هوش و مستعدی داریم که همه به خاطر ذکاوتش او را تحسین می‌کنند. اگر او فریب استعداد خوبش را بخورد و اوقاتش را تنها به تفریح و بازی بگذراند و از درس فاصله گیرد، از دانش‌آموزی که استعداد زیادی ندارد بیشتر قابل سرزنش است و اگر همین فرد با هوش، با تلاش خود موفقیت تحصیلی نیز کسب کند برای تلاشش نیز شایسته ستایش است. آن هوش مانند کرامت ذاتی و این تلاش مانند کرامت اکتسابی انسان است.

پرهیزکاری و بزرگواری (تقوا و کرامت نفس)

تقوا باعث می‌شود سرمایه کرامت ذاتی خویش را نگه داریم و کرامت اکتسابی را در خود بیفزاییم.

امام علی علیه السلام فرمودند :

«لَا كَرَمَ كَالْتَّقْوَى»^۱

هیچ بزرگواری و کرامتی چون تقوا نیست.

انسان با تقوا هم نزد خویشان، هم نزد مردمان و هم نزد خداوند بزرگ گرامی است. کسی که برای خود ارزش قائل است، در مرحله نخست، خود را به گناهان آلوده نمی‌کند و تقوای الهی در پیش می‌گیرد.

در مرحله دیگر، انسان با کرامت، نه تنها خویش را از گناه دور می‌کند بلکه ظاهر و باطن را به پاکی و طهارت آراسته می‌کند.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۰۹.

کدام آیه است که خداوند فرد با تقواتر را نزد خود گرامی تر می‌داند؟ به نظر شما چرا فرد با تقواتر گرامی تر است؟

طهارت و پاکی

انسان اخلاق‌مدار که برای خویشتن ارزش قائل است، جسم و جانش را به آلودگی‌ها نمی‌آلاید.

خداوند سی و یک مرتبه در قرآن کریم ماده «طهر» را به کار برده است. رسول اکرم ﷺ فرمودند:

«الطَّهْرُ شَطْرُ الْإِيمَانِ»^۱

پاکیزگی بخشی از ایمان است.

فوت کوزه‌گری

شاگرد کوزه‌گر حالا برای خود ادعای استادی داشت. از استاد جدا شد و مغازه‌ای جدا دایر کرد؛ ولی هر کار می‌کرد کوزه‌های لعابی او به زیبایی کوزه‌های استاد نمی‌شد و رنگش کدر می‌افتاد. نزد استاد آمد و دوباره زانوی شاگردی زد. دید استاد قبل از اینکه به کوزه‌ها رنگ بدهد و آنها را در کوره بگذارد، آنها را فوت می‌کند. گفت این، فوت کوزه‌گری است. غبارها را که از کوزه دور کنی، رنگ لعاب، خوب بر آن می‌نشیند و شفاف می‌شود. ما آدم‌ها نیز تا غبار هوئی و هوس و گناه را از خود دور نکنیم، مرغوب و خداپسند نمی‌شویم.

۱. متقی هندی، کنز العمال، ح ۲۵۹۸۸.

جسم پاکیزه، جان پاک

طهارت، اقسامی دارد :

۱) طهارت ظاهر

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند :

«تَنْظِفُوا بِكُلِّ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ — تَعَالَى — بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى النَّظَافَةِ،
وَلَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا كُلُّ نَظِيفٍ»^۱

هرچه می توانید پاکیزه باشید، پس همانا خداوند متعال اسلام را بر پاکیزگی بنا
کرده است و جز فرد پاکیزه وارد بهشت نمی شود.

همان طور که فرموده اند هرچه می توانید تقوا پیشه کنید، گفته اند هرچه می توانید تمیز و
پاکیزه باشید. پاکی برون، مقدمه ای برای پاکی درون است.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند :

ای انس! وضو و غسل را زیاد انجام بده که خداوند عمرت را زیاد کند؛ و
اگر می توانی در شب و روز با طهارت باشی این کار را انجام بده که اگر بر
حال طهارت از دنیا رفتی، شهید هستی.^۲



۱. متقی هندی، کنز العمال، ۲/۲۶۰.

۲. حر عاملی محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۸۳.



هم‌رزم شهید تهرانی مقدم می‌گوید :
خیلی سخت است که انسان بخواهد در مورد
کسی این‌طور با قاطعیت صحبت کند مگر اینکه مدت
زیادی با او زندگی کرده باشد.
بنده سال‌ها با حسن همراه بودم و حتی یک‌بار
ندیدم او برای نمازش وضو بگیرد چون دائم الوضو
بود و می‌گفت :

«نباید بدون وضو بر روی زمین خدا راه رفت؛ زمین جای جمع کردن ثواب است.»

فعالیت

سعی کنید به مدت دو هفته همیشه وضو داشته باشید به خصوص در هنگام حضور
در کلاس درس.

۲) طهارت باطن

آب را باید از سر چشمه پاک نگه داشت. سرچشمه کارهای ما افکار ماست. اگر
می‌خواهیم کارهایمان پاک باشد، باید افکارمان را پاک نگه داریم. پس باید فکر را از
وسوسه‌های شیطانی پاک کرد. بی‌توجهی به فکرهای منفی، یکی از راه‌های پاک‌ی ذهن
است. امام علی (ع) فرمودند :

«مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا»^۱

کسی که زیاد درباره گناهان بیندیشد، گناهان او را به سوی خود می‌کشانند.

طهارت باطن، یعنی جانمان را از گناهان و عیب‌های اخلاقی مانند حسادت و تکبر و
حرص پاک کنیم.

۱. همان، ح ۸۵۶۱.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند :

«إِنْ كُنْتُمْ لَا مُحَالَةً مُتَطَهِّرِينَ فَتَطَهَّرُوا مِنْ دَنَسِ الْعُيُوبِ وَ الدُّنُوبِ»^۱

حال که از پاکیزه بودن گریزی ندارید، پس خود را از پلیدی عیوب و گناهان پاک کنید.

روز مردن گند او پیدا شود	گر میان مشک، تن را جا شود
مشک چه بود نام پاک ذوالجلال	مشک را بر تن مزین، بر دل بمال
روح را در قعر گلخن می نهد ^۲	آن منافق مشک بر تن می نهد

ترک شهوت، اثر کرامت

فرش به ظاهر فرسوده را در کفش کن مسجد انداخته بودند. مرد خبره فرش فروش نزد امام جماعت آمد و گفت : این فرش را از جلوی در جمع کنید، خیلی قیمتی است. دست بافت و قدیمی است. از فروش آن فرش با ارزش، تمام آن مسجد فرش شد. آدم اگر ارزش واقعی خود را بداند، خود را زیر دست و پا نمی اندازد. امام علی (علیه السلام) فرمودند :

«مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ، هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ»^۳؛

هر که برای خود کرامت قائل باشد، خواهش های نفسانی اش در نظر او خوار آید.

موفقیت، اثر ترک شهوت

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند :

«طَهَّرُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ دَنَسِ الشَّهَوَاتِ تُدْرِكُوا رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ»^۴

جان هایتان را از آلودگی شهوات پاک کنید تا به درجات بالا برسید.

۱. غررالحکم و دررالکلم، ج ۳۷۴۳.

۲. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر دوم.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۴۴۱.

۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ص ۳۴۵.

کدام انسان موفق را در دنیا سراغ دارید که با شهوت رانی و خوش گذرانی به موفقیت رسیده باشد. هر کسی در هر زمینه‌ای که موفق شده است، بسیاری از خواسته‌های نفسانی و لذت‌های نابجا را ترک کرده تا به قله پیروزی صعود کرده است.

نمره کرامت شما چند است؟

برای اینکه کرامت نفس خود را نگه داریم و آن را ارتقا دهیم، می‌توانیم این راهکارها را انجام دهیم :

(۱) بیش از اینکه به نداشته‌ها و شکست‌هایمان بیندیشیم به نعمت‌ها و توانمندی‌هایی که خدا به ما داده است توجه کنیم.

(۲) در هر کار به نتیجه اخروی آن فکر کنیم : امام علی علیه السلام فرمودند :

«الْكَرِيمُ مَنْ أَكْرَمَ عَنْ ذُلِّ النَّارِ وَجْهَهُ»^۱

بزرگوار، کسی است که کرامتِ چهره خویش را از خواری آتش نگه دارد.

(۳) تمرین حیا کنیم : امام علی علیه السلام می‌فرمایند :

«غَايَةُ الْحَيَاءِ أَنْ يَسْتَحْيِيَ الْمَرْءُ مِنْ نَفْسِهِ»^۲

اوج حیا این است که آدمی از خودش شرم کند.

اگر برای خود ارزش قائلیم، نباید هر سخنی را بر زبان جاری کنیم. اگر به خود احترام می‌گذاریم، پوشش با وقار بر تن کنیم. اگر به خود ارج می‌نهیم پایمان را به هر مکانی ننهیم. به چشمان خود بیاموزیم که هر صحنه‌ای ارزش نگرستن ندارد.

(۴) نیازهایمان را با خدا در میان بگذاریم و چشمان را به دست مردم ندوزیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نصیحت‌هایشان به ابوذر می‌فرمایند :

اگر می‌خواهی قوی‌ترین مردم باشی، به خدا توکل کن، و اگر می‌خواهی

گرمی‌ترین مردم باشی، تقوای الهی پیشه کن؛ و اگر می‌خواهی بی‌نیازترین

مردم باشی، به آنچه در دست خداست بیشتر اعتماد کن تا آنچه نزد توست^۳...

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، ج ۷۸، ص ۸۲، ح ۸۲.

۲. غررالحکم و دررالکلم، ح ۶۳۶۹.

۳. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۴۶۸.

یکی از اصحاب پیامبر ﷺ روزگارش سخت شد. همسرش او را نزد پیامبر فرستاد تا کمکی بگیرد. نزد حضرت رفت. پیامبر ﷺ تا او را دیدند فرمودند:

«مَنْ سَأَلَنَا أَعْطَيْنَاهُ وَمَنْ اسْتَغْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ»؛

کسی که از ما درخواست کند او را عطا می‌کنیم، ولی کسی که بی‌نیازی جوید خدا او را بی‌نیاز کند.

با خود گفت منظور ایشان منم. بازگشت و به همسرش اطلاع داد. همسرش گفت: باز هم نزد ایشان برو. باز هم همان جمله را از حضرت شنید. برای بار سوم این جریان تکرار شد تا تیشه‌ای قرض گرفت و به کوه رفت تا هیزم جمع کند. با فروش هیزم و تلاش بیشتر، کم‌کم سختی‌ها رخت بر بست و به ثروتی رسید.^۱

در جهان بال و پر خویش گشودن آموز کم‌پریدن نتوان با پرو بال دگران^۲

شرف نفس به جود ست و کرامت به سجود هر که این هر دو ندارد عدمش به که وجود^۳

(۵) گناه را ترک کنیم و علاوه بر آن، امور بیهوده در زندگی را هم انجام ندهیم؛ امام علی (ع) فرمودند:

«مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهْنِهَا بِالْمَعْصِيَةِ»؛^۴

کسی که برای خویش ارزش قائل باشد، خود را با گناه خوار نمی‌کند.

همچنین خداوند متعال دربارهٔ بندگان خاص خود (عباد الرحمن) می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»؛^۵

و کسانی که در مجالس باطل شرکت نمی‌کنند (یا شهادت به باطل نمی‌دهند)؛

و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۱۳۹.

۲. اقبال لاهوری.

۳. سعدی.

۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ص ۳۳۹.

۵. فرقان، ۷۲.

۶) در سختی‌ها شِکوه نکنیم: مردی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: دوست دارم گرامی‌ترین و کریم‌ترین مردم باشم. ایشان فرمودند:

هرگز از خدا نزد خلق شکایت مکن تا گرامی‌ترین مردم باشی.^۱

مفضل بن قیس نزد امام صادق علیه السلام از قرض‌ها و مخارج سنگین زندگی‌اش گفت و اینکه چقدر در سختی و فقر است. در پایان درخواست دعا کرد. حضرت دستور دادند کیسه‌ای اشرفی که در آن ۴۰۰ سکه طلا بود به او بدهند. مفضل گفت: مقصود من دعا بود نه کمک! حضرت فرمودند: من دعا هم می‌کنم ولی بدان که هرگز سختی‌های زندگی‌ات را برای مردم تشریح نکنی که اولین اثرش آن است که این‌طور فکر می‌کنند که تو در میدان زندگی، زمین خورده و از روزگار شکست خورده‌ای، در نظرها کوچک می‌شوی و شخصیت و احترامت از میان می‌رود.^۲

فعالیت

ویژگی‌های مثبت خود را که خدا به شما داده، یا خود به دست آورده‌اید را در یک فهرست بنویسید.

۱. متقی هندی، کنز العمال، ج ۴۴۱۵۴.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۱۴.

آیین بی‌آزاری

امام صادق (ع) روی کوه صفا ایستاده بودند. عباد بصری پیش آمد و گفت: سخنی از شما روایت می‌کنند. فرمودند: چیست؟ عرضه داشت: اینکه حرمت مؤمن از احترام این بنا (یعنی کعبه) بالاتر است. ایشان فرمودند: بله، این را من گفته‌ام.^۱

تمام انسان‌ها تا زمانی که با عقاید و رفتارهای نادرست، انسانیت خویش را از دست نداده باشند از حرمتی ویژه برخوردارند.

امام هادی (ع) فرمودند:

«مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ»^۲؛

از شر کسی که پیش خود ارجی ندارد در امان نباش.

کسی که نزد خودش ارزش دارد، دیگران را نیز ارج می‌گذارد. در مسیر کمال نمی‌توان مؤمنان را نادیده گرفت. ما مسافر سفری هستیم که باید مراقب همسفران خود باشیم. حرمت آبروی مؤمن مانند حرمت مال و خون اوست.^۳

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«لَا تُحَقِّرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّ صَغِيرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ»^۴

هیچ مسلمانی را خوار و حقیر مشمار؛ زیرا کوچک آنان هم نزد خداوند بزرگ است.

در درس پیش درباره احترام به خود سخن گفتیم و اینک درباره احترام به دیگران می‌گوییم. چه چیزهایی آبروی مؤمن را به خطر می‌اندازد؟ برای حفظ آبروی مؤمن و تکریم شخصیت او، چه اموری را باید رعایت کنیم؟

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۷، صص ۹۵-۸۵.
 ۲. فیض کاشانی، الوافی، ج ۲۶، ص ۲۸۴ به نقل از تحف العقول.
 ۳. تویسرکانی، لثالی الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۶.
 ۴. ورام حلی، تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۳۱.

حریم محترم

مواردی که در ادامه بیان می‌شود تنها بخشی از مصادیق حفظ آبروی مؤمن است.

۱) رازداری

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند :

«جُمِعَ خَيْرُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فِي كِتْمَانِ السِّرِّ وَ مُصَادَقَةِ الْأَخْيَارِ
وَ جُمِعَ الشَّرُّ فِي الْإِذَاعَةِ وَ مُوَاخَاةِ الْأَشْرَارِ»^۱

خیر دنیا و آخرت در پنهان داشتن راز (خود و دیگران) و دوستی خالصانه
با خوبان جمع شده است و شر دنیا و آخرت در پخش کردن راز و دوستی با
بدان گرد آمده است.

اگر پرده اسرار کسی را بالا زدیم، باید منتظر فاش شدن اسرار خود نیز باشیم.
امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند :

کسی که نسبت به مردم پرده‌داری کند آبروی خودش دریده می‌گردد.^۲
مریز آبروی برادر به کوی که دهرت نیززد به شهر آبروی^۳



۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۲۸.

۲. محقق اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۲۹.

۳. بوستان سعدی.

۲۲) پرهیز از سخن چینی

پیامبر اکرم ﷺ از یاران خود پرسیدند: آیا شما را از بدترین افراد آگاه سازم؟ عرض کردند آری ای پیامبر خدا. فرمودند:

«الْمَشَاوُونَ بِالنَّمِيمَةِ، الْمُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْأَحْبَةِ، الْبَاغُونَ لِلْبِرَاءِ الْمَعَايِبِ»^۱

آنها کسانی هستند که برای سخن چینی تلاش می کنند، بین دوستان جدایی می افکنند و از پاکان عیب جویی می کنند.

هر که عیب دگران پیش تو آورد و شمرد بی گمان عیب تو پیش دگران خواهد برد^۲
در یکی از سال ها در بنی اسرائیل قحطی شدیدی آمد و دعاهاى حضرت موسی ﷺ افاقه نکرد. وحی آمد که در میان شما شخص سخن چینی است که بر کار خود اصرار دارد و تا او چنین کند دعاهاى شما ره به جایی نمی برد. حضرت موسی ﷺ گفت: او کیست تا بیرونش کنیم؟ خداوند فرمود: من شما را از سخن چینی نهی می کنم، آنگاه خودم سخن چینی کنم؟ بالاخره همه توبه کردند و باران نازل شد.^۳



فعالیت

خداوند در قرآن کریم درباره نَمَامی و سخن چینی یک بار به صورت مستقیم سخن گفته است. آن را در سوره قلم بیابید و درباره معنایش بحث کنید.

۱. حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۱۶.

۲. گلستان سعدی.

۳. فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۲۷۶.

■ (۳) پرهیز از غیبت

غیبت یعنی، عیب واقعی مؤمنی را در غیابش بیان کنی. اگر عیب در او نباشد، تهمت خواهد بود.^۱
فرقی نمی‌کند بیان آن عیب به چه شکلی باشد، با گفتار و نوشتار باشد و یا با اشاره و رفتار.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند :

روز قیامت، فردی را می‌آورند و او را در پیشگاه خدا نگه می‌دارند و کارنامه‌اش را به او می‌دهند، اما حسنات خود را در آن نمی‌بیند. عرض می‌کند : الهی! این کارنامه من نیست! زیرا من در آن طاعات خود را نمی‌بینم! به او گفته می‌شود : پروردگار تو، نه خطا می‌کند و نه فراموش. عمل تو به سبب غیبت کردن از مردم بر باد رفت. سپس فرد دیگری را می‌آورند و کارنامه‌اش را به او می‌دهند. در آن طاعت بسیاری را مشاهده می‌کند. عرض می‌کند : الهی! این کارنامه من نیست! زیرا من این طاعات را به جا نیاورده‌ام! گفته می‌شود : فلانی از تو غیبت کرد و من حسنات او را به تو دادم.^۲

فعالیت

با تأمل در محیط پیرامون خود بگویید از میان اشکال غیبت، کدام رواج بیشتری دارد؟

راه‌های علمی و عملی درمان غیبت

غیبت کردن و غیبت شنیدن که گناهشان یکسان است، بدون لذت نیست؛ از همین رو ترک آن هم آسان نیست. راهکارهای صفحه بعد ما را در این راه کمک می‌کند:^۳

۱. عاملی، الاصطلاحات الفقهية فی الرسائل العلمية، ص ۱۵۴.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، ص ۱۲۱.

۳. ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ج ۳، صص ۱۱۹-۱۱۶.

راهکارهای علمی

(۱) ریشه‌ها و انگیزه‌های غیبت را بشناسیم و با آنها مبارزه کنیم. این انگیزه‌ها می‌تواند باعث غیبت شود: حسادت، خودخواهی، کینه‌توزی، سوءظن، سرگرمی ناسالم، تمسخر، فرونشاندن غضب و انتقام و... .

خدای متعال وقتی از غیبت سخن می‌گوید، چنین می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ، إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ، وَلَا تَجَسَّسُوا، وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا، أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا، فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ، إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ»^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید؛ چراکه بعضی از گمان‌ها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید؛ و هیچ‌یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است!

می‌توان از این آیه به دست آورد که ما ابتدا به دیگران بدگمان می‌شویم، در مرحله بعد، از عیب‌های آنها تجسس می‌کنیم و سپس به بیان عیب‌های آنان و غیبت می‌پردازیم. (۲) به آثار و پیامدهای غیبت توجه کنیم. آثاری دنیوی همانند سلب سرمایه اعتماد، سرچشمه بدگمانی، اشاعه فحشا، ایجاد کینه و دشمنی و آثار اخروی همانند از بین رفتن حسنات، به دوش کشیدن بار گناهان غیبت شونده، عدم قبولی عبادات تا چهل روز و رسوایی انسان.

(۳) خود را جای فرد غیبت شونده بگذاریم و ببینیم چه حسی به ما دست می‌دهد؟

(۴) خود را با دیگران مقایسه نکنیم، تا دچار حسد و غیبت نشویم.

(۵) به ویژگی‌های مثبت دیگران بیندیشیم و آنها را برجسته کنیم.

عیب صاحب نظران چند به بازار آری چند از آن گلبن پر گل، تو کف خار آری^۲

۱. حجرات، ۱۲.

۲. کلیات صائب تبریزی.

راهکارهای عملی

- (۱) بهانه نترسیم و توجیه نکنیم. اینکه این را همه می‌دانند، اینکه جلوی روی او هم می‌گویم، اینکه غیبت فلانی لازم است و مانند آن بهانه‌ای است برای ادامه گناه.
- (۲) به جای اینکه دیگران را پایین بیاوریم خود را بالا ببریم. به جای صرف انرژی در تخریب دیگران خود را ارتقا دهیم.
- (۳) در گفتن عیب دگران بسته زبان باش از خوبی خود عیب نمای دگران باش^۱
- (۴) با افرادی که عادت به غیبت کرده‌اند، کمتر نشست و برخاست کنیم.
- (۵) در مجلس غیبت ابتدا تذکر دهیم و در غیر این صورت، آن را ترک کنیم.
- (۵) در حد امکان به دفاع و تعریف از فرد مورد غیبت بپردازیم.

فعالیت

احادیث غیبت و آیه مربوطه در سوره حجرات را روی برگه‌هایی نوشته و در کلاس و خانه خود نصب کنید تا با نگاه کردن به آنها همیشه یادتان باشد غیبت نکنید.

۴ ■ تغافل و چشم‌پوشی از عیوب

تغافل یک اصل تربیتی و به معنای چشم‌پوشی در برخورد با اولین اشتباهات است. عیب‌هایی که اگر آنها را نادیده بگیریم و اصطلاحاً خود را به غفلت بزنیم، خود به خود برطرف می‌شوند. اما گاهی با برجسته کردن آنها باعث لجاجت یا آبروریزی فردی می‌شویم.

در وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندشان محمدبن حنفیه آمده است :

من تمام آنچه مردم بدان زندگی و معاشرت می‌کنند را پیمانه پُری یافتم که
دوسوم آن نیک شمردن (کار دیگران) و یک سوم آن تغافل است.^۲

۱. واعظ قزوینی.

۲. فَإِنِّي وَجَدْتُ جَمِيعَ مَا يَتَعَاشَرُ بِهِ النَّاسُ وَبِهِ يَتَعَاشَرُونَ مِلَّةَ مِكْيَالٍ ثَلَاثُهُ اسْتِحْسَانٌ وَثَلَاثُهُ تَغَافُلٌ. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۰۲.

یادمان باشد تغافل به معنای بی‌مسئولیتی نیست؛ بلکه عین مسئولیت‌پذیری است. شما آگاهانه و با هدف تکامل، به یک رفتار یا خصلت، بی‌توجهی نشان می‌دهید تا برطرف شود نه اینکه از سر بی‌حوصلگی و بی‌تفاوتی چنین کنید. ذهن ما باید مانند موزه فقط چیزهای با ارزش را نگه دارد. جان ما جای امور ارزشمند است. باید از کنار امور بی‌ارزش به راحتی گذشت.

فعالیت

اگر دوستان چند بار به شما ناسزا گفت، چه برخوردی می‌کنید؟ تغافل، مقابله به مثل یا تذکر؟

۵) جلوگیری از خشم با گذشت از خطاها

هریک از ما ممکن است در تعاملات اجتماعی خود دچار خطا یا رفتاری از روی نادانی شویم. حلم و بردباری اینجا معنا می‌یابد. در صورتی که در خشم، عنان نفس خویش را از کف بدهیم، چه بسا احترام و کرامت دیگران و نیز خود را هم مورد خدشه قرار بدهیم. یک فرد آرام بیشتر در چشم شما ارزش دارد، تا کسی که مدام فریاد می‌زند و پرخاش می‌کند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«ثَلَاثٌ مِنْ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ:

تَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ، وَتَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ، وَتَحِلُّ إِذَا جُهِلَ عَلَيْكَ»^۱

سه چیز از خصلت‌های ارزشمند دنیا و آخرت است: بخشودن کسی که به تو ستم کرده است، پیوستن به کسی که از تو بریده است و بردباری ورزیدن، آن‌گاه که نسبت به تو رفتار جاهلانه‌ای شود.

به نیروتر آن کس که از روی دین کند بردباری گه خشم و کین^۲

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۱۰۷.

۲. گرشاسبی نامه اسدی توسی.

البته فراموش نکنیم گرچه خشم، کلید همه بدی‌ها است، ولی اگر برای خدا باشد، مقدس و ستودنی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای دنیا خشمگین نمی‌شدند، ولی اگر حقّی ناحق می‌شد، خشم ایشان آرام نمی‌شد تا آن را احقاق کنند.^۱



چند راهکار علمی و عملی برای فرو خوردن خشم (کظم غیظ)

الف) راهکارهای علمی

- ۱) به نتیجه سوء خشم افسار گسیخته بیندیشیم. اینکه خشم، اندیشه ما را مختل می‌کند، پشیمانی به بار می‌آورد، شیطان را بر ما مسلط می‌کند، کینه و ناراحتی به بار می‌آورد و...
- ۲) به نتیجه خوب گذشت و بردباری و آثار آن توجه کنیم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مَنْ عَفَا عِنْدَ الْقُدْرَةِ عَفَا اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْعُسْرَةِ»^۲

هرکس در زمانی که قدرت دارد گذشت کند، خداوند در روز دشواری از او گذشت کند.

- گفت از خشم خدا چه بود امان گفت ترک خشم خویش اندر زمان^۳
- ۳) بدی دیگران را در ذهنمان مرور نکنیم تا بتوانیم کینه را از دل بزداییم. امام صادق علیه السلام فرمودند:

کینه مؤمن تا زمانی است که نشسته است، همین که برخاست کینه نیز از دل او می‌رود.^۴

۱. فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۳۰۳.
 ۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۷۰۰.
 ۳. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر چهارم.
 ۴. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۳۱۰.

(۴) برای اینکه بتوانیم ببخشیم باید بین رفتار بد و شخصیت فرد، فرق بگذاریم. رفتار بد همیشه بد است ولی ذات او که بد نیست. ما قرار است خود فرد را ببخشیم و از رفتار بد او چشم‌پوشی کنیم.

(۵) به هنگام خشم، به گذشت خدا در برابر خطاهای خویش بیندیشیم.^۱

ب) راهکارهای عملی

(۱) خود را شبیه انسان‌های با گذشت کنید و ظاهر آرام به خود بگیرید. امام علی (علیه السلام) فرمودند:

اگر بردبار نیستی، خویشتن را بردبار جلوه ده؛ زیرا کمتر کسی است که خود را شبیه گروهی کند و سرانجام یکی از آنان نشود.^۲

(۲) سکوت کنیم و در حال خشم سخنی نگوییم. امام علی (علیه السلام) فرمودند:

«دَاوُوا الْغَضَبَ بِالصَّمْتِ، وَالشَّهْوَةَ بِالْعَقْلِ»^۳

خشم را با خاموشی (همراه اندیشه)، درمان کنید و خواهش نفس را با خرد.

(۳) با آب سرد، وضویی بگیریم.

(۴) چند ثانیه مکث کنیم. وضعیت خود را تغییر دهیم. راه برویم یا در صورت امکان محیط را ترک کنیم.

(۵) وقتی از کسی عصبانی می‌شویم، به جای پرخاش، احساس خود را به صورت منطقی ابراز کنیم و ناراحتی خود را در میان بگذاریم.

فعالیت

آخرین باری که عصبانی شدید یادتان هست؟ چطور می‌توانستید بهتر عمل کنید؟

۱. پیامبر خدا ﷺ: یا علی، لَا تَغْضَبْ، فَإِذَا غَضِبْتَ فَاقْعُدْ وَتَفَكَّرْ فِي قُدْرَةِ الرَّبِّ عَلَى الْعِبَادِ وَحِلْمِهِ عَنْهُمْ، وَإِذَا قِيلَ لَكَ: ائْتِ اللَّهَ فَأَنْبِذْ غَضَبَكَ، وَارْجِعْ حِلْمَكَ؛ ای علی! خشمگین مشو و هرگاه به خشم آمدی بنشین و درباره قدرتی که پروردگار بر بندگان دارد و گذشتی که از آنها می‌کند، بیندیش؛ و هرگاه به تو گفته شد: از خدا بترس، خشم را دور افکن و به گذشت و بردباری خویش مراجعه کن. (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۴).

۲. إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ؛ فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَسَبَّهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ. (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۷).

۳. غرر الحکم و دررالکلم، ح ۵۱۵۵.

شمع شو!

بومرنگ را که پرتاب کنی، دور می‌زند و دوباره به سمت خودت می‌آید. نه تنها در عالم دیگر که در همین دنیا، اثر تمام کارهای خوب به خودمان باز می‌گردد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند :

«إِنَّ مَكْرُمَةً صَنَعْتَهَا إِلَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْرَمْتَ
بِهَا نَفْسَكَ وَزَيَّنْتَ بِهَا عِرْضَكَ، فَلَا تَطْلُبْ مِنْ غَيْرِكَ
شُكْرَ مَا صَنَعْتَ إِلَى نَفْسِكَ»^۱

اگر به کسی احترامی نهی، در حقیقت به خودت
احترام نهاده‌ای و حیثیت خویش را با آن آراسته‌ای.
بنابراین، به‌خاطر خوبی و احترامی که به خودت
کرده‌ای، از دیگری انتظار سپاسگزاری نداشته باش.

در درس پیشین که اخلاق در رابطه با خلق را آغاز کردیم، بیشتر
بر نیایدها تأکید کردیم و در این درس بیشتر بر بایدها تأکید می‌کنیم.
مرحله نخست در اخلاق اجتماعی این است که دیگران از ما آسیبی
نبینند و در مرحله بعد باید تلاش کنیم در رابطه با ما فایده‌ای نصیبشان
شود.

چه‌طور تمرین سخاوت کنیم؟ از خودگذشتگی و فداکاری چه
آثاری دارد؟ در برابر اعضای خانواده خود (والدین و خواهر و برادر)
چه وظایفی داریم؟ در برابر خویشاوندان خود چه وظایفی داریم؟
برخی از وظایف اخلاقی در برابر دیگران را با هم مرور می‌کنیم :

۱) بخشندگی

سخاوت و بخشندگی روحیه‌ای در فرد است که مال را به مستحقش می‌بخشد حتی اگر او درخواستی نکند^۱ و در برابر خساست که روحیه گرفتگی و بخل است، قرار دارد. یکی از نمودهای رفتاری سخاوت، انفاق به معنای بذل مال به دیگران است.

آب که در یک جا بماند می‌گندد. ثروت هم مانند آب است و باید در جامعه به گردش درآید و گرنه، فاسد می‌شود. روحیه انحصارطلبی و خودخواهی، هم فرد را عقب می‌راند و هم جامعه را. اما در مقابل، بخشندگی برکات فراوان فردی و اجتماعی دارد و از اموری است که عمر و مال را زیاد می‌کند.

به جوان بنی‌اسرائیلی گفتند: خداوند نیمی از عمرت را در بی‌نیازی و نیم دیگر را در فقر قرار داده است، اما انتخاب اینکه نیمه اول در فقر باشد یا غنا با خود تو است. گفت: بگذارید مشورت کنم. با همسرش مشورت کرد گفت: بی‌نیازی در نیمه اول را انتخاب کن. همین کار را کردند و از همه جا برایشان مال می‌رسید ولی از آن طرف آنها هم تا می‌توانستند انفاق و بخشش می‌کردند. وقتی نیمه دوم رسید دیدند خبری از فقر نشد. به او گفتند: چون در حال بی‌نیازی بخشندگی داشتی، فقر را از تو برداشتند و تا آخر عمر غنی خواهی بود.

ز احسان می‌شود صاحب کرم را دولت افزون‌تر بلی هر چاه را آب از کشیدن بیش می‌گردد^۲ از سویی در باب آثار اجتماعی بخشندگی باید توجه داشت که الفت و وحدت را بین اعضای جامعه افزون می‌کند.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

«السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِّنَ اللَّهِ، قَرِيبٌ مِّنَ الْجَنَّةِ، قَرِيبٌ مِّنَ النَّاسِ»^۳

شخص بخشنده هم به خدا نزدیک است؛ هم به بهشت نزدیک است، هم به مردم.

۱. طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۱۵.

۲. کشمیری.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۴، ص ۴۰.



تمرین بخشنندگی

راهکارهای علمی

- ۱) به این بیندیش که اموال، بار سنگینی است که وقتی به کسی می‌بخشی بارت را تا قیامت برایت حمل می‌کند و آنچه برای خود نگه داریم از بین می‌رود و آنچه ببخشیم می‌ماند.^۱
- یکی از همسران پیامبر ﷺ می‌گوید: گوسفندی را سر بریدند (و گوشت آن را انفاق کردند). حضرت فرمودند: چیزی مانده است؟ گفتم: به جز سردستش چیزی باقی نمانده است. پیامبر ﷺ فرمودند: به جز سردستش، همه آن باقی مانده است.^۲
- ۲) به آثار و برکات انفاق و بخشنندگی فکر کنیم.

راهکارهای عملی

- ۱) سعی کنید نیازمند واقعی را که اظهار نیاز کرده است هرگز رد نکنید.^۳ اگر کسی هم نیاز به قرض داشت به او قرض بدهید.
- ۲) سعی کنید به نزدیکان خود بخشش کنید بدون اینکه آنها از شما بخواهند. برای این کار از مبالغ اندک به بهانه عیدی شروع کنید.
- ۳) به دوستان خود هدیه بدهید و دنبال بهانه باشید گرچه کوچک باشد.

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. متقی هندی، کنز العمال، ح ۱۶۱۵.

۳. «وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ». «ضحی»، ۱۰.

- (۴) گاهی دیگران را در خوراکی‌هایتان مهمان کنید گرچه یک نوشیدنی باشد.
- (۵) گاهی خریده‌های خانه را از پول خودتان انجام دهید.
- (۶) با آدم‌های بخیل نشست و برخاست نکنید و با افراد بخشنده معاشرت کنید.
- نیش باشد قسمت زنبور از دریای شهد ممسک از قهر خدا بی بهره از مال خودست
- (۷) حکایت‌های افراد سخاوتمند مانند اهل بیت (علیهم‌السلام) را بخوانید.

فعالیت

به نظر شما غیر از بخشندگی در زمینه مسائل مالی در چه زمینه‌های دیگری می‌توان سخاوت داشت؟

اعتدال در انفاق

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا، وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»^۱

و کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند.

امام صادق (علیه‌السلام) در جمع اصحاب بودند. دستشان را به سوی زمین بردند و مشتی ریگ برداشتند. انگشتانشان را محکم بستند و فرمودند: این گرفتگی و بخل است. سپس دستشان را باز کردند و تمام ریگ‌ها را ریختند و فرمودند: این نیز اسراف است. هنگامی که مشتی دیگر از ریگ برداشتند، کمی انگشتان خود را باز کردند تا مقداری ریخت و مقداری باقی ماند، فرمودند: این اعتدال در بخشش است.^۲

۱. فرقان، ۶۷.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۴، صص ۵۵-۵۴.

۲) از خود گذشتگی

از خود گذشتگی مرحله‌ای بالاتر از بخشندگی است. چون در این مرحله در عین نیازمندی خود، دیگری را مقدم می‌کنید. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند :

«أَفْضَلُ السَّخَاءِ الْإِثَارُ»^۱

برترین بخشندگی اِثَار و از خود گذشتگی است.

اِثَار در لغت به معنای انتخاب است و در اصطلاح یعنی انتخاب خواسته دیگران و مقدم داشتن آنها بر خود.

انواع اِثَار

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند :

أَجُودُ النَّاسِ مَنْ جَادَ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ^۲

بخشنده‌ترین مردمان کسی است که جان و مال خود را در راه خدا ببخشد.

گاهی مالمان را فدا می‌کنیم و گاهی جانمان را. قرآن درباره فداکاری امیرالمؤمنین علیه السلام در هر دو زمینه سخن گفته است، آنجا که در شب هجرت به مدینه در بستر رسول گرامی صلی الله علیه و آله، جان برکف آرید :

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ، وَ اللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ.»^۳



۱. غررالحکم و دررالکلم، ح ۲۸۸۸.

۲. راوندی، النوادر، ص ۲۰.

۳. بقره، ۲۰۷.

فعالیت

آیه زیر در چه جریانی نازل شد و مصداق آن کیست؟^۱

«وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ
وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲

و آنها را بر خود مقدم می‌دارند، هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛
کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگاران‌اند.

مثل پوریای ولی

سال ۱۳۵۵ بود و مسابقات قهرمانی کشتی آزاد تهران. به فینال وزن ۷۴ کیلو رسیده بود. ابراهیم در اوج آمادگی بود. آگاهانه طوری ضعیف کشتی گرفت تا حریفش پیروز شود. می‌دانست حریف به جایزه نقدی مسابقه نیاز دارد. این بود که در مسابقه شهادت هم برنده شد شهید ابراهیم هادی.^۳

شمع شو شمع که خود را سوزی تا بدان بزم کسان افروزی^۴

فعالیت

هریک از شما، یکی از شهدا را انتخاب کنید و با مطالعه زندگی‌نامه و وصیت‌نامه‌اش،
او را به دوستانتان در کلاس معرفی کنید.

۱. عروسی هویزی، نورالتقلین، ج ۵، ص ۲۸۵، ح ۵۳.

۲. حشر، ۹.

۳. سلام بر ابراهیم، ج ۱، ص ۳۶-۳۷.

۴. جامی.

۳) احسان به اعضای خانواده

ما نسبت به والدین خود وظایفی داریم که اگر به آنها پایبند نباشیم، در راه رسیدن به خدا ناکام می‌مانیم. خدایی که بعد از عبادتش، امر به احسان والدین را بارها فرموده و پس از پیروی از خود به پیروی از پدر و مادر دستور داده است.

فعالیت

خداوند در این آیه چند وظیفه برای فرزندان نسبت به والدین مشخص کرده است؟

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ، وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا، إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا، فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا، وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»^۱

شکرانه زورآوری روز جوانی آن است که قدر پدر پیر بدانی^۲



۱. اسراء، ۲۳.

۲. سعدی.

امام صادق علیه السلام در سخنی معروف به نام نثر الدرر (درافشانی) وظایف ما را نسبت به پدر و مادرمان و نسبت به برادر و خواهرمان معلوم کرده اند :

فرزند در برابر پدر و مادر سه وظیفه دارد :

الف) در همه حال، سپاسگزار آنان باشد (گرچه به هر دلیل از آنان ناراحت باشد)؛

ب) آنان را در هرچه به او امر می کنند، یا نهی می نمایند به شرطی که نافرمانی خدا نباشد، اطاعت کند؛

ج) در نهان و عیان خیرخواه آنان باشد.^۱

برادران و خواهران باید سه اصل را رعایت نمایند تا در دوستی پایدار بمانند و گرنه از هم جدا شوند و با هم دشمنی ورزند :

الف) رفتار منصفانه با یکدیگر

ب) مهربانی با همدیگر

ج) خودداری از حسادت نسبت به هم.^۲

خانمی به دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. ایشان بسیار او را احترام کردند و عباى خود را زیر پایش انداختند و او را جای خود، نشاندند. مدت زیادی با او سخن گفتند و سپس تا دم در با پای برهنه بدرقه اش کردند. آن زن، خواهر رضاعی ایشان (فرزند حلیمه سعدیه) بود. روزی دیگر برادر رضاعی ایشان به دیدن آن حضرت آمد. او را نیز احترام کردند ولی نه به اندازه خواهرشان. در پاسخ پرسش اصحاب که راز این تفاوت برخورد چه بود؟ فرمودند : چون خواهرم، زن است و به محبت بیشتری نیازمند است و از طرفی، به پدر و مادرش بیشتر رسیدگی می کرد؛ از این رو او را بیشتر احترام کردم.^۳

۴) صلۀ رحم

صلۀ رحم و دیدار خویشاوندان همانند انفاق، عمر و روزی ما را می افزاید و ما را به خدا نزدیک تر می کند.

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۲۲.

۲. همان، ص ۳۲۳-۳۲۲.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۱۶۱.

امام سجّاد علیه السلام فرمودند :

دو گام نزد خدا از همه دوست داشتنی تر است : نخست گامی که در صف
لشکر اسلام برای جهاد در راه خدا برداشته می شود و دیگری گامی که به
سوی دیدار خویشاوندی برداشته می شود که از ما بریده است.^۱

آثار صله رحم^۲ :

الف) دنیوی

- روزی را زیاد می کند؛
- عمر را طولانی می کند؛
- بلاها را دفع می کند؛
- موجب محبت است؛
- شهرها را آباد می کند؛

و...

تا که گردد مدّت عمر تو بیش
بی گمان نقصان پذیرد عمر او^۳

رو به پرسیدن، بر خویشان خویش
هر که گرداند ز خویشاوند، رو



۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۷.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۱۵۸-۱۵۱.

۳. عطار نیشابوری، پندنامه، ص ۱۰۷.

ب) معنوی

- اجر صد شهید دارد؛
- باعث سخاوت است؛
- باعث خوش اخلاقی است؛
- حساب را آسان می‌کند؛
- مرگ را آسان می‌کند؛

و...

تلفن را بردارید و به یکی از بزرگ‌ترهای فامیلتان زنگ بزنید و احوالش را بپرسید.
حداقل ارتباط با خویشان، به یک سلام است^۱ یا یک جرعه آب که به دستشان دهید.^۲
پیامبر اکرم ﷺ به حضرت علی علیه السلام توصیه کرده‌اند گرچه لازم باشد که یک سال راه طی کنید، باز هم به پدر و مادران نیکی کنید و به دیدار خویشانان بروید.^۳

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۱۵۵.

۲. همان، ص ۱۵۱.

۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۴۴.

زیر نور ماه

برای رسیدن به خدا نمی‌توان بدون وسیله گام برداشت. تنه درخت اگر نباشد، مواد غذایی از ریشه به میوه نمی‌رسد. قرار دادن واسطه، سنت و قانون الهی در هستی است. خداوند فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان)
خدا بپرهیزید! و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوئید! و
در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید!

این وسیله، یعنی امام معصوم. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: من وسیله به سوی خدا هستم.^۲ برای رسیدن به خدا باید با محبوب‌ترین انسان‌های زمین یعنی معصومین، دوست و همراه شد. چگونه می‌توان با آن بزرگواران علیهم السلام ارتباط برقرار کرد؟ وظایف ما در مقابل ایشان چیست؟

۱- مائده، ۳۵.

۲- بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۹۲.

تو را دوست دارم خدا...

بین اصحاب نشسته بودند و پرسیدند: به نظر شما کدام دستگیره ایمان، استوارتر است؟ یاران گفتند: خدا و پیامبرش بهتر می‌دانند. بعضی گفتند: نماز، بعضی گفتند: زکات، برخی گفتند: روزه و برخی حج و عمره و عده‌ای هم گفتند جهاد. پیامبر اکرم همه حرف‌ها را شنیدند و فرمودند: همه آنچه گفتید فضیلت است ولی پاسخ این نیست. محکم‌ترین دستگیره ایمان، دوست داشتن به خاطر خدا و دشمن داشتن به خاطر خدا و دوستی دوستان خدا و دوری جستن از دشمنان خدا است.^۱ دلیل اهمیت بیشتر این مسئله نسبت به سایر مسائل این است که اگر اهل بیت پیامبر ﷺ و دوستی و راهنمایی آنان نباشد، ما راهی به نماز و روزه و سایر احکام دین نخواهیم یافت.^۲

پیامبر مهربانی ﷺ فرمودند:

أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا يَغْدُوْكُمْ بِهِ مِنْ نِّعَمِهِ، وَأَحِبُّوْنِي لِحُبِّ اللَّهِ،
وَأَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي^۳

خدا را به خاطر نعمت‌هایی که به شما ارزانی می‌دارد، دوست بدارید و مرا به سبب آنکه خدا را دوست دارید، دوست بدارید و خانواده‌ام را به سبب آنکه مرا دوست دارید، دوست بدارید.

فعالیت

پیامبر ما برای رسالتش چه مزدی طلب کرده است؟ فکر می‌کنید چرا این مزد تعیین شده است؟

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۱۲۵.

۲. همان، ص ۱۸.

۳. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۹.

همراهی تولی و تبری

در آسمان کمال، نه بی‌بال می‌توان پرواز کرد و نه تک‌بال. تولی و تبری، دو بال پرواز تا خود خداست. شخصی به امیر مؤمنان علیه السلام گفت: من در کنار دوستی شما فلان کس را - که یکی از دشمنان آن حضرت بود - نیز دوست دارم. آن حضرت در جواب فرمودند: اکنون تو اعمور و یک چشم هستی که تنها فضایل ما را می‌نگری و به ما علاقه‌مندی. باید چشم دیگر تو باز باشد تا به وسیله آن، رذایل دشمنان ما را نیز ببینی و به آنان بغض و کینه داشته باشی، لیکن این وضع دوام نمی‌یابد؛ زیرا حق و باطل و نور و ظلمت در یک جا نمی‌گنجد. در آینده یا هر دو چشم خویش را از دست می‌دهی و کور می‌شوی، یا چشم دیگری بینا می‌شود و بغض و کینه دشمنان ما را نیز به دل خواهی گرفت.^۱

کارهای ما در برابر معصومان علیهم السلام

(۱) گام اول، شناختن معصومان علیهم السلام است. امام علی علیه السلام فرمودند:

همانا امامان از جانب خدا تدبیرکننده کار مردمانند و کارگزاران او بر بندگانش.
به بهشت در نیاید مگر کسی که آنان را بشناسد و آنها نیز او را بشناسند و به دوزخ وارد نشود مگر کسی که ایشان را انکار کرده و ایشان نیز او را انکار کرده‌اند.^۲

(۲) گام بعدی دوست داشتن آنان است. وقتی گل زیبا را دیدی نمی‌شود عاشقش نشوی. امام را که شناسی عاشقش می‌شوی. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ، وَتَكُونَ عِزَّتِي إِلَيْهِ أَعَزَّ مِنْ عِزَّتِي، وَ يَكُونَ أَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ، وَتَكُونَ ذَاتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ ذَاتِي»؛^۳

۱. إِنْ رَجُلًا قَدَّمَ عَلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنِّي أُحِبُّكَ وَأُحِبُّ فَلَانًا - وَسَمَىٰ بَعْضَ أَعْدَائِهِ - فَقَالَ عليه السلام: «أَمَّا الْآنَ فَأَنْتَ أَعْوَرُ فَلَمَّا أَنْ تَعْمَىٰ وَإِنَّمَا أَنْ تُبْصِرَ» (بحار، ج ۲۷، ص ۵۸)؛ ر. ک: جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، ج ۱، صص ۶۰-۶۱.

۲. إِنَّمَا الْإِئْمَةُ قُوَامُ اللَّهِ عَلَىٰ خَلْقِهِ، وَغُرْفَاؤُهُ وَ عَلَىٰ عِبَادِهِ، وَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَعَرَفُوهُ، وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَأَنْكَرُوهُ. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲.

۳. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۴۰.

هیچ بنده‌ای ایمان ندارد مگر آن که مرا از خودش بیشتر دوست بدارد و
خاندان مرا از خاندان خودش عزیزتر و خانواده مرا از خانواده خودش و
جان مرا از جان خودش بیشتر دوست بدارد.

۳) گام سوم از همه مهم‌تر است: پیروی از آنان.
بچه خردسال هم می‌فهمد وقتی می‌گویی دوستش داری باید برایش کاری کنی. اگر به پدر
و مادرت بگویی دوستان دارم، ولی مدام حرف‌هایشان را نادیده بگیری به تو می‌گویند دروغ
می‌گویی! تو ما را دوست نداری!
امام علی علیه السلام فرمودند:

به خاندان پیامبر خود بنگرید و راه آنان را در پیش گیرید و در پی آنها حرکت
کنید؛ زیرا آنان هرگز شما را از راه راست منحرف نمی‌کنند و به هیچ هلاکتی
در نمی‌افکنند. اگر نشنستند شما نیز بشنیدید و اگر به پا خاستند، شما نیز به پا خیزید.
از آنان پیشی نگیرید که گمراه شوید و از آنان عقب نیفتید که هلاک شوید.^۱

وظایف ما در برابر معصوم علیه السلام

معرفت: امامت را بشناس

محبت: به او دل ببند

اطاعت: دنبال او برو

فعالیت

چقدر امام زمان علیه السلام را می‌شناسید؟ هر چه می‌دانید بگویند تا روی تخته نوشته شود.
حاضرید برای ایشان چه کارهایی انجام دهید؟ درباره آن در کلاس بحث کنید.

۱. اُنْظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ، فَالْزَمُوا سَمَتَهُمْ، وَاتَّبِعُوا أَمْرَهُمْ، فَلَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ هُدًى، وَلَنْ يُعِيدُوكُمْ فِي رَدًى، فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبَدُوا،
وَإِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا وَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضِلُّوا وَلَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا. نهج البلاغه، خطبه ۹۶.

راهی به نور ماه

توسّل یعنی وسیله گرفتن برای رسیدن به چیزی که البته همراه با میل و رغبت است.^۱ وقتی می‌خواهید با میل خود به سفری بروید و برای رفتن و رسیدن وسیله‌ای می‌گیرید شما توسّل جست‌ه‌اید.

سلمان فارسی می‌گوید: از حضرت محمد ﷺ شنیدم که فرمودند: خداوند عزوجل می‌فرماید:

ای بندگان من، آیا چنین نیست کسی که حاجات بزرگی از شما می‌خواهد و شما حوائج او را بر نمی‌آورید، مگر اینکه در نزد شما کسی را که محبوب‌ترین مردم پیش شماست شفیع قرار دهد، آنگاه حاجات او را به خاطر آن شفیع برآورید؟ اکنون آگاه باشید و بدانید که محبوب‌ترین خلق و افضل آنان نزد من، محمد ﷺ و برادر او علی ﷺ و امامان پس از وی هستند. اینان وسیله‌های مردم به سوی من‌اند. بدانید هر کسی حاجتی دارد و نفعی را طالب است، یا آنکه دچار حادثه‌ای بس صعب و زیان بار گشته و رفع آن را می‌خواهد، باید مرا به محمد و آل طاهرینش ﷺ بخواند تا به بهترین وجه، حاجات او را برآورم.^۲

دست مرا بگیر

شاهرخ هیکلی قوی داشت. قهرمانی سنگین‌وزن کشتی فرنگی جوانان و دعوت به تیم ملی یکی از افتخاراتش بود. نقطه منفی زندگی‌اش بزن‌بهادری و رفتن به محیط‌های آلوده بود. نقطه قوت زندگی‌اش علاقه به امام حسین ﷺ بود. پای ثابت هیئت جوادالائمه ﷺ و اشک‌هایش در روضه... عصر عاشورا بود که بعد از عزاداری پای صحبت‌های حاج‌آقا تهرانی نشست و جرقه توبه‌اش از همان جا زده شد. حرّ انقلاب، با عنایت امام حسین ﷺ تولدی دوباره یافت. شاهرخ ضرغام بالاخره مزدش را گرفت. شهادت در ۳۱ سالگی، سال ۵۹، آبادان.^۳

۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۷۱.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۱.

۳. ر.ک: گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، شاهرخ، حرّ انقلاب اسلامی: زندگینامه و خاطرات شهید شاهرخ ضرغام.

سالک راه حق بیا نور هدی ز ما طلب نور بصیرت از در عترت مصطفی طلب
هست سفینه نجات عترت و ناخدا خدا از بر ما شفا بجو، از در ما دوا طلب^۱

آمده‌ام که نروم

مگر می‌شود دوستان باشد و به دیدنش نروید. مگر می‌شود دلتان برایش تنگ شود و به زیارتش مشتاق نباشید. وقتی که عاشق معصومین علیهم‌السلام شدیم، نمی‌شود که به سلامی مهمانشان نشویم. فرقی هم ندارد که زنده باشند، یا از دنیا رفته باشند. امام صادق علیه‌السلام فرمودند :

«مَنْ زَارَنَا فِي مَمَاتِنَا، فَكَأَنَّمَا زَارَنَا فِي حَيَاتِنَا»^۲

هر که پس از مردنمان ما را زیارت کند، چنان است که در زمان زندگی‌مان زیارتمان کرده باشد.



۱. دیوان فیض کاشانی.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۴.

خداوند هم در قرآن کریم به انبیای الهی سلام داده است.

فعالیت

سوره صافات را بنگرید و سلام‌های خدا به انبیای الهی را برشمارید.

از قدیم گفته‌اند: هر دیدی باز دیدی دارد. نمی‌شود که به دیدار معصومین علیهم‌السلام بروید و به دیدنتان نیایند. امام حسین علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسیدند: پدر جان! پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند: پسرکم! هر که مرا یا پدر تو یا برادرت و یا خودت را زنده یا پس از مرگ زیارت کند، بر من است که در روز قیامت دیدارش کنم و او را از گناهایش نجات دهم.^۱

رسم رفاقت^۲

برای رفاقت با این انوار الهی و رفتن به زیارتشان باید آداب و رسومی را رعایت کرد که ما را به آنها نزدیک‌تر می‌کند:

- ۱) درباره بزرگی و عظمتشان و اینکه چقدر به آنها مدیونیم فکر کنیم.
- ۲) فضایلشان را مطالعه کنیم و در حال زیارتشان آنها را به خاطر آوریم.
- ۳) با طهارت به حضورشان برسیم و برایشان سلام کنیم. غسل زیارت، مقدمه رفتن گناهان از جانمان است.
- ۴) لباس‌های زیبا و پاکیزه بپوشیم و عطر بزنیم. به ملاقات فرد مهمی می‌خواهیم برویم.
- ۵) اذن ورود بخواهیم و زیارت‌نامه‌های معتبرشان را بخوانیم.
- ۶) مؤدبانه با آنان سخن بگوییم ولی صمیمی و بی‌آلایش.
- ۷) سکوت و متانت در محل زیارت، نشانه ادب ما و حرمت آن معصوم است.
- ۸) دو رکعت نماز زیارت بخوانیم و به آن معصوم هدیه کنیم.

۱. ابن قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۱۱.

۲. ر.ک: فاضل لنکرانی، محمد، مناسک الحج، صص ۲۷۴-۲۷۳.

۹) هر چه می‌توانیم قرآن و دعا نزد مرقد شریف بخوانیم.
۱۰) روزی بر ما نگذرد، مگر اینکه بر یکی از معصومین سلام کنیم از دور یا نزدیک.
پیامبر خدا ﷺ فرمودند :

«مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَرْضِ أُبَلِّغْتُهُ، وَمَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ عِنْدَ الْقَبْرِ سَمِعْتُهُ»^۱

هر که در هر نقطه‌ای از روی زمین به من سلام کند، سلامش به من می‌رسد و
هر که بر سر قبرم به من سلام کند، آن را می‌شنوم.

